

تأثیر روابط میان فرهنگی بر شیوه زمامداری از دیدگاه حضرت علی(ع)

ماشاءاله ولیخانی *

منصور رحمتی **

دریافت مقاله: ۹۱/۸/۳

پذیرش نهایی: ۹۱/۹/۱۹

چکیده

این مقاله با مطالعه دقیق سخنان حضرت علی(ع)، ابتدا نظام فکری و فرهنگی امام علی(ع) را به سه بخش «الف» از بین بردن تعصبات قومی قبیله ای و برقراری مساوات ب) از بین بردن فساد اقتصادی و فاصله طبقاتی ج) مبارزه با ظلم و ستم و رعایت حقوق مردم» تقسیم کرده و بعد از آن، دیدگاه حضرت علی(ع) را بر روابط میان فرهنگی مورد بررسی قرار داده و در پایان تأثیر روابط بین خرده فرهنگها بر نوع رفتار زمامداران و کارگزاران حکومت اسلامی را در سه بخش «الف» روابط میان اقشار مختلف جامعه ب) روابط میان اقلیت های مذهبی ج) روابط میان قبائل و نژادهای مختلف» بررسی کرده است. این پژوهش با بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای که منبع اصلی آن کتاب نهج البلاغه است با شیوه توصیفی تحلیلی به بررسی این مطالب پرداخته است. نتایج نشان می دهد که حضرت علی(ع) در راه تبیین و توافق میان فرهنگهای مختلف، فرهنگهای نادرست را با دلیل و منطقی روشن رد، و فرهنگ و آداب و رسوم صحیح را تأیید، و مطابق با آن رفتار می کرده است.

کلید واژه‌ها: فرهنگ و اسلام، روابط میان فرهنگی، روابط میان خرده فرهنگ ها، نظام فکری و فرهنگی حضرت علی(ع).

* valikhani_ma@yahoo.com

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان

** کارشناس ارشد مدیریت دولتی - تحول دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

m_rahmati_2007@yahoo.com

مقدمه

ارتباط میان مردمانی که ادراکات فرهنگی و نظام نمادهایشان به اندازه‌ای گوناگون است که می‌تواند در جریان ارتباط، ایجاد اختلال کند، ارتباطات میان فرهنگی نامیده می‌شود (همایون، ۱۳۸۴: ۲۱). ارتباط بین فرهنگی را که در فضای تفاوت نژادی یا اختلافات اصالتی رخ می‌دهد، می‌توان هم بر فرایند ارتباطی میان فرهنگها و هم بر حوزه مطالعاتی آن اطلاق کرد. در بخش فرایند، باید به سراغ فرهنگها رفت و نسبت فرهنگها با یکدیگر، نوع داد و ستد آنها و تحوّل در روابط میان آنها را در نظر گرفت و در بخش حوزه مطالعاتی، باید به سراغ حوزه‌هایی مثل زبان و دیگر عوامل رویارویی و تعامل فرهنگی در جوامع گوناگون و عوامل تعیین‌کننده اهمیت نسبی عوامل و عوامل مؤثر بر این فرایند رفت. لازم به ذکر است که قرن‌ها قبل از این، ابن‌خلدون دانشمند بزرگ اسلامی، ضمن تأکید بر اینکه آحاد جامعه انسانی نمی‌توانند تمام نیازهای خود را برای زندگی به تنهایی فراهم سازند و به این دلیل، نیازمند تعاون و مشارکت دیگران هستند در نظریه سازمان اجتماعی خود و نیز در تبیین هویت و روابط میان فرهنگی، معتقد بود که نظم مناسب در تعاون بشری در چنین سازمان اجتماعی، زمانی به وجود می‌آید که انسانها با محدود کردن تأثیرات نابودکننده یکدیگر اداره شوند. بعد از ابن‌خلدون، مطالعات اجتماعی بر دیدگاه‌های او تکیه کردند و به غنی ساختن ادبیات و روشهای مطالعه میان فرهنگی و بین‌المللی پرداختند (سامورا، ۱۳۷۹: ۸۴). در دوران حکومت حضرت علی (ع) به دلیل گستردگی جغرافیایی قلمرو اسلام و وجود افراد و گروه‌ها با فرهنگهای متفاوت، یکی از مهمترین اقدامات آن حضرت، ایجاد هماهنگی و رابطه میان فرهنگهای خاص آن زمان بوده است.

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش به بررسی تأثیر تنوع فرهنگی و روابط میان آنها به شیوه زمامداری و حاکمیت امام علی (ع) پرداخته، و به این سؤال، پاسخ داده می‌شود که حضرت در برخورد با افراد و فرهنگهای متفاوت چگونه آنها را با هم مرتبط و هماهنگ می‌کرده است. در این مقاله شیوه تحلیل، توصیفی، و از روش بیان علمی استنتاجی مطلب استفاده شده است. از جمله محدودیتهای این تحقیق، نبودن متخصصان بین رشته‌ای است؛ یعنی کسانی که هم در رشته مدیریت و هم در

مسائل اسلامی صاحب‌نظر باشند و مهمتر از آن، عمق مطالب و سخنان حضرت علی(ع) و وسعت سیره علمی و عملی ایشان را کاملاً درک کرده باشند تا بتوان تمام سخنان آن حضرت را تجزیه و تحلیل دقیق، و حق واقعی مطلب را ادا کرد. آنچه گرد آمده است در حد و اندازه عظمت آن شخصیت بی بدیل نیست؛ اما با توجه به بیانات مقام معظم رهبری مبنی بر بومی سازی علوم انسانی در کشور، امید است این مقاله بتواند قدم کوچکی در راه تحقق این جریان بزرگ علمی و فرهنگی بردارد و مسئولان و کارگزاران، سیره امام علی(ع) را سرمشق راه خود قرار دهند و در راه خدمتگزاری به مردم از آن بهره مند شوند. با توجه به اینکه تاکنون پژوهش‌های فراوانی در مورد تأثیر فرهنگ بر شیوه مدیریت صورت گرفته، اما کمتر پژوهشی با عنوان تأثیر روابط میان فرهنگی بر شیوه زمامداری، آن هم از دیدگاه حضرت علی(ع) انجام شده است که از جمله در این زمینه، مقاله ای با عنوان مهارت‌های مدیریت تنوع فرهنگی، نیاز مدیران. نوشته خانمها: مریم و زهرا سهرابی رنانی است که در سال ۱۳۹۰ در ماهنامه موج عصر، ش ۱۳ و ۱۴ منتشر شده است. از دیگر نوشته‌های مرتبط با این موضوع، کتاب ارتباط بین فرهنگها، نوشته سامووار، لاری و دیگران، ترجمه آقای غلامرضا سبحانی است که در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده است.

مفهوم شناسی تحقیق

۱ - فرهنگ

در سال ۱۹۵۲ آلفرد کروبر و کلاید کلاکھون^۱ در کتاب خود به نام «فرهنگ، مروری انتقادی بر مفاهیم و تعاریف» با گردآوری ۱۶۴ تعریف از فرهنگ اظهار کردند که فرهنگ در اغلب موارد به سه برداشت عمده می‌انجامد:

- برترین فضیلت در هنرهای زیبا و امور انسانی که به فرهنگ عالی شهرت دارد.
- الگوی یکپارچه از دانش، باورها و رفتار بشری که به گنجایش فکری و یادگیری اجتماعی نمادین بستگی دارد.
- مجموعه‌ای از گرایش‌ها، ارزشها، اهداف و اعمال مشترک که هر نهاد، سازمان و گروه را مشخص و تعریف می‌کند (کروبر و کلاکھون، ۱۹۵۲: ۱۲۲).

1- Alfred Kroeber and Clyde Kluckhohn

فرهنگ را جنبه ناپیدا می نامند که ظاهراً دیده نمی شود؛ با وجود این، فرهنگ تأثیر فراگیر و نافذ بر رفتار افراد، گروه ها و جوامع دارد. در تعریفی جامع، فرهنگ شامل تمامی ساخته ها و ارزشهای مادی و معنوی انسان و چکیده و عصاره زندگی اجتماعی او در طول تاریخ است که از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می کند. هر فرهنگی در هر جامعه و هر دوره ای مبین میزان و سطح پیشرفت و ترقیات فنی، تجربیات تولیدی در کار، وضع آموزش و پرورش، علوم، ادبیات، هنرها، آرمانها و نهادهای اجتماعی معین است (سهرابی رنایی، ۱۳۹۰: ۳).

تعریفی که ادوارد بارنت تیلور مردم شناس بزرگ انگلیسی در سال ۱۸۷۱ در کتاب «فرهنگ ابتدایی» عرضه کرده به عنوان تعریفی جامع و مانع معروف است: «فرهنگ مجموعه پیچیده ای است که در برگیرنده دانستیها، باورها، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می آورد» (روح الامینی، ۱۳۶۸: ۶۲).

۲ - روابط میان فرهنگی

اصطلاح روابط بین فرهنگی مفهوم گسترده ای دارد که بر عملیاتی اطلاق می شود که به واسطه اشخاص منسوب به فرهنگهای متفاوت برای همکاری بین معانی مختلف انجام می پذیرد. کار و عملیات زمانی انجام می شود که یکی از اعضای فرهنگ به هدف شروع و کشف روابط به اعضای فرهنگ دیگر نامه ای بنویسد (شرف الدین، ۱۳۸۸: ۱۳۵). روابط بین فرهنگی که توسط اعضا انجام می پذیرد از سنتهای رایج و شایع بین جوامع بشری در طول حیات قدیمی و دیرینه شان است (شرف الدین، ۱۳۸۸: ۱۳۷)؛ به عبارت دیگر روابط بین فرهنگی همان روابط بین گروه های مختلف مردم است که نزد آنها مفاهیم فرهنگی و نظامهای رمزی متفاوت وجود دارد به گونه ای که روابط و امور مخصوص به آنها می تواند تغییر کند (سامورا، ۱۳۷۹: ۹۸).

گسترده گی روابط فرهنگی، نیاز به تبادل آرا و افکار فرهنگی را در جوامع گسترش می دهد. روابط دوستانه بین ملت های مختلفی که فرهنگهای گوناگونی دارند، سبب فرو ریختن دیوارها و موانع بین آنها می شود به گونه ای که آنها را برای به دست آوردن دستاوردهای فرهنگی بعضی از بعضی دیگر بر می انگیزاند تا آنجا که از دستاوردهای فرهنگی مختلف و اصول جدیدی برای همکاری فرهنگی بهره مند شوند. این موضوع تنها به ناسیونالیست فرهنگی اکتفا نمی کند، بلکه به تقریب و نزدیکی افکار و آرا و ارزشهای جوامع مختلف منتهی می شود (سلیمی، ۱۳۷۹: ۷۹).

ادیان الهی و از جمله آنها اسلام، روابط تمدنی بین جوامع و بین انسانها را تکریم می کنند و بر

آنها تأکیدی تام می‌ورزند. اما تنها ویژگی ساخت هر ملت، عقیده و ایمان است؛ همان طور که اسلام بدان معتقد است (شوشتری، ۱۳۷۸: ۱۸).

بنابراین می‌توان به ملت‌های مختلفی که عقیده واحد و ایمان واحدی دارند، همانند ملت واحد و منسجم نگاه کرد. اسلام به مرز بندی‌های جغرافیایی و اجتماعی دستور نمی‌دهد بلکه معتقد است حذف این مرزها از بین مردم با برقراری روابط بین فرهنگی و به هدف رسیدن به عالیترین اهداف جداً ضروری است که همان سعادت و اصلاح بشر است.

۳ - نظام فکری و فرهنگی حکومتی حضرت علی(ع)

حضرت علی(ع) با خواست عمومی و اصرار مردم، زمام خلافت را به دست گرفت و در روز ۲۱ رمضان سال چهارم هجری با شهادت آن بزرگوار، طومار خلافت ایشان در هم پیچیده شد. مردم ۲۵ سال با حاکمیت سه خلیفه، خو گرفته بودند که به روزگار خلافت آنان، سیاست‌هایی معمول، و شیوه‌هایی در حکومت بر مردم روا شده بود که امام، بسیاری از آن سیاستها را استوار نمی‌دانست و سختی تغییر خلق و خوی مردم را در حد "بازگرداندن آب به جوی" می‌دانست که بسی مشکل بود و گاه در مواردی محال. بدین سان با نهایت احتیاط و حزم اندیشی و پس از تن زدن فراوان از پذیرش، خلافت را پذیرفت. اما از همان آغاز، هم برنامه‌های آینده را به صراحت گفت و هم دشواریهای راه را برشمرد (مونس، ۱۳۷۵: ۱۱۷).

امام علی(ع) به مدیریت با نگرش انسانی می‌نگرد؛ زیرا آنچه در افق مدیریت مطرح است، انسان است و انسان ابزار نیست. امام، جامعه را چون سامانه‌ای منظم می‌داند که هدفی والا دارد؛ لذا نیازمند برنامه ریزی، سازماندهی و رهبری است. در این سامانه تمام اجزا با یکدیگر در تعامل است و با یکدیگر وابستگی متقابل دارد و برای رسیدن به مقصدی ارزشمند در تلاش است. بررسی و مطالعه اندیشه حضرت علی(ع) بویژه دوره پنجساله حکومت ایشان بر اساس رویکردهای جدید مطالعاتی مورد توجه پژوهشگران بسیاری قرار گرفته است (سلیمی، ۱۳۸۱: ۹۴).

شایان ذکر است که اندیشه و رفتار اجتماعی - سیاسی و شأن والای علی(ع) هرگز در قالب نظریه فلسفی سیاسی اجتماعی محدود نمی‌گنجد، اما می‌توان گفت که اصول و ویژگیهای کلی زیر در اندیشه علی(ع) وجود دارد:

- اصل برابری سیاسی میان شهروندان
- توجه نکردن به هویت قومی، مذهبی و نژادی در حقوق انسانی اعضای جامعه سیاسی

- تأکید بر آزادی و برابری و عدالت و فضیلت به عنوان اصول ذاتی حیات سیاسی
 - منع تعرض به منافع عمومی توسط افراد برای نفع فردی (سلیمی، ۱۳۸۱: ۹۵).
- حضرت علی(ع) برای اصلاح نظام فکری و فرهنگی و پیوند بین فرهنگهای گوناگون در جامعه لازم دید که ارزشهای اسلامی را قولاً و عملاً ترویج، و اذهان مردم را از انحرافات پاک کند که مهمترین آنها از بین رفتن بینش دینی و دینگرایی بود و ارزشهایی را که در زمان پیامبر(ص) وجود داشت و به دست فراموشی سپرده شده بود زنده کند (سلیمی، ۱۳۸۱: ۹۶).
- از جمله اصلاحات حکومتی حضرت علی(ع) می توان به موارد زیر اشاره کرد:
- ۳- ۱ - از بین بردن تعصبات قومی قبیله ای و برقراری مساوات
- حضرت علی(ع) در قسمتی از خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه می فرماید: «اگر در تعصب ورزیدن ناچارید برای اخلاق پسندیده، افعال نیکو و کارهای خوب تعصب داشته باشید. همان افعال و کرداری که انسانهای با شخصیت و شجاعان خاندان عرب و سران قبائل در آنها از یکدیگر پیشی می گرفتند؛ یعنی اخلاق پسندیده، بردباری هنگام خشم فراوان، کردار و رفتار زیبا و درست و ویژگیهای نیکو. پس تعصب ورزید در حمایت کردن از پناهندگان و همسایگان، وفاداری به عهد و پیمان، اطاعت کردن از نیکی ها، سرپیچی از تکبر و خود پسندیها، تلاش در جود و بخشش، خودداری از ستمکاری، بزرگ شمردن خونریزی، انصاف داشتن با مردم، فرو خوردن خشم و پرهیز از فساد در زمین تا رستگار شوید» (دشتی، ۱۳۸۳: ۲۷۰). در این خطبه امام(ع)، مردم را از تعصبات بیهوده منع، و آنان را به داشتن تعصبات نیکو و پسندیده سفارش می کند.
- در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه آمده است: هنگامی که عقیل درخواست می کند که حضرت علی(ع) چیزی اضافه از بیت المال به او ببخشد، آهنی گداخته را به جسم برادرش عقیل نزدیک می کند تا او را بیازماید؛ پس چونان که از درد فریاد زد به او فرمود: «ای عقیل، گریه کنندگان بر تو بگریند از حرارت آهنی می نالی که انسان به بازیچه آن را گرم ساخته است، اما مرا به آتش دوزخی می خوانی که خدای جبارش با خشم خود آن را گداخته است. تو از حرارت ناچیز می نالی و من از حرارت آتش الهی ننالم» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۲۶).
- این موارد حاکی است که امام علی(ع) با رفتار خود به مردم فهماند که پیوندهای خویشاوندی و قبیله ای مانع اجرای قوانین نمی شود و همه، حتی برادرش در مقابل قوانین یکسانند و از میان برداشتن تعصبات قومی و قبیله ای و روابط نامتعارف خویشاوندی، مانع اجرای عدالت و مساوات

نمی شود و راهی است برای اصلاح نظام فکری و فرهنگی، و پیوند بین فرهنگهای گوناگون در جامعه.

۳ - ۲ - از بین بردن فساد اقتصادی و فاصله طبقاتی

حضرت علی(ع) در نامه ۲۶ نهج البلاغه به مخنف بن سلیم فرماندار اصفهان به منظور از بین بردن فاصله طبقاتی، این گونه سفارش می کند: «بدان برای تو در این زکاتی که جمع می کنی سهمی معین، حقی روشن و شریکانی از مستمندان و ضعیفان داری. همان گونه که ما حق تو را می دهیم، تو هم باید نسبت به حقوق آنان وفادار باشی. اگر چنین نکنی در روز رستاخیز بیش از همه دشمن داری. وای بر کسی که در پیشگاه خدا، فقرا و مساکین و درخواست کنندگان و آنان که از حقشان محرومند و بدکاران و در راه ماندگان، دشمن او باشند و از او شکایت کنند» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۶۱).

آن حضرت در نامه ۲۰ نهج البلاغه در خطاب به زیاد بن ابیه، حکمران اهواز، فارس، کرمان و دیگر نواحی ایران می فرماید: «به خدا سوگند اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شوی و در هزینه عیال در مانده، خوار و سرگردان شوی» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۵۷).

امام علی(ع) در نامه ۷۱ نهج البلاغه به منذر بن جارود عبدی، که در فرمانداری خود خیانتی اقتصادی مرتکب شده بود. فرمود: «اگر آنچه به من گزارش رسیده درست باشد، شتر خانه ات و بند کفش تو از تو با ارزشتر است و کسی که همانند تو باشد، نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه می تواند کاری را به انجام رساند یا ارزش او بالا رود یا شریک در امانت باشد یا از خیانتی دور ماند؛ پس چون این نامه به دستت رسد، نزد من بیا» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۳۷).

این موارد بیان می کند که امام در راه مبارزه با فساد اقتصادی حتی بین فرمانداران خود از هیچ کوششی فروگذار نکرد و همواره آنان را از این کار نهی فرمود که این تلاشی است در جهت اصلاح نظام فکری و فرهنگی و پیوند بین فرهنگهای گوناگون.

۳ - ۳ - مبارزه با ظلم و ستم و رعایت حقوق مردم

امام علی(ع) در نامه ۲۵ نهج البلاغه در وصیت به کارگزاران اقتصادی خود می فرماید: «با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد حرکت کن؛ در سر راه، هیچ مسلمانی را نترسان یا با زور از زمین او نگذر و افزونتر از حقوق الهی از او مگیر. هرگاه به آبادی رسیدی در کنار آب فرود آی و

وارد خانه کسی نشو؛ سپس با آرامش و وقار به سوی آنها حرکت کن تا در میانشان قرار گیری؛ به آنها سلام کن و در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی مکن؛ سپس می گویی، مرا ولی خدا به سوی شما فرستاده است تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل گیرم. آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او پردازید؟ اگر کسی گفت نه، دیگر به او مراجعه نکن و اگر پاسخ داد آری، همراهش برو بدون اینکه او را بترسانی یا تهدید کنی یا به کار مشکلی وادار سازی. هرچه از طلا و نقره به تو رساند بردار و اگر دارای گوسفند یا شتر بود، بدون اجازه داخل نشو که بیشتر اموال از آن اوست» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۵۸).

آن حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه، خطاب به مالک اشتر نخعی می فرماید: «برای گروه نیازمندان بخشی از نیروهای مورد اعتمادت را، که خدا ترس و افتاده اند، آزاد بگذار تا گزارش امورشان را نزد تو آورند و در جایی دیگر از همین نامه می فرماید: مبدا که مردم را درنده ای خون آشام باشی که خوردنشان را غنیمت شمری؛ چرا که مردم دو گروهند: یا در دین برادران تو هستند یا در آفرینش هموعانت؛ از راه می لغزند؛ به آنها دچار می شوند و دانسته یا ندانسته به کارهایی دست می یازند. تو باید از گذشت و چشم پوشی چندان بهره مندشان کنی که چشم پوشی و گذشت خدا را در مورد خود چشم داری» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۰۲).

حضرت علی(ع) در نامه ۵۹ نهج البلاغه خطاب به قطبه، فرمانده لشکر حلوان در جنوب شهر سرپل ذهاب امروزی می فرماید: «اگر رأی و اندیشه زمامدار دچار دگرگونی شود، او را از اجرای عدالت باز می دارد. پس باید کار مردم در آنچه حق است نزد تو یکسان باشد؛ زیرا در ستمکاری بهایی برای عدالت یافت نمی شود. از آنچه که همانند آن را بر دیگران نمی پسندی پرهیز کن و نفس خود را در حالی که امیدوار به پاداش الهی است و از کیفر او هراسناکی به اجرای آنچه خداوند بر تو واجب کرده است، وادار ساز ... از جمله حقی که بر توست اینکه نفس خویش را نگهبان باشی و به اندازه توان در امور رعیت تلاش کنی؛ زیرا آنچه در این راه نصیب تو می شود، برتر از آن است که از نیروی بدنی خود از دست می دهی» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۲۴).

در نامه ۷۶ نهج البلاغه در مورد رعایت حقوق مردم، خطاب به عبدالله بن عباس، فرماندار بصره آمده است: «با مردم، هنگام دیدار و در مجالس رسمی و در مقام داوری، گشاده رو باش و از خشم پرهیز که سبک مغزی به تحریک شیطان است و بدان آنچه تو را به خدا نزدیک می سازد از آتش جهنم دور، و آنچه تو را از خدا دور می سازد به آتش جهنم نزدیک می کند» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۳۸).

امام علی(ع) در نامه ۶۷ نهج البلاغه در باره رسیدگی به کار حاجیانی که از سرتاسر سرزمین اسلامی برای فریضه حج به مکه آمده بودند به قثم بن عباس، فرماندارش این گونه سفارش می‌کند: «هر روز در بامداد و شامگاه در یک مجلس عمومی با مردم بنشین، آنان که پرسش‌های دینی دارند با فتواها آشنایشان بگردان و ناآگاه را آموزش ده و با دانشمندان به گفتگو پرداز. تو را با مردم جز زبانت نماینده و سخنگویی نباشد و جز چهره ات هیچ پرده‌ای از مردم جدایت نکند و هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان؛ زیرا اگر در آغاز از درگاه تو رانده شود، گرچه در پایان حاجت او برآورده شود، دیگر تو را نستاید. در مصرف اموال عمومی که در دست تو جمع شده است اندیشه کن و آن را به عیالمندان و گرسنگان پیرامونت ببخش و به مستمندان و نیازمندیانی که سخت به کمک مالی تو احتیاج دارند، برسان» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۳۲).

نگارندگان در این نوشتار با تکیه بر تعاریف و مفاهیم فرهنگ و روابط میان فرهنگی، تلاش کرده‌اند مبانی نظری و اصولی حاکم بر کلام پند آموز علی(ع) را دریافت، و پس از تحلیل محتوایی متن موجود، دسته بندی خاصی عرضه کنند. در این راستا، لاجرم به تمام خوانی کتاب نهج البلاغه روی آورده شده است تا مفهوم صحیح زمامداری و نیز ارتباط میان فرهنگی از دیدگاه حضرت علی(ع)، در هیچ بخشی مغفول نماند؛ بدین ترتیب، باید گفت که آنچه در نگارش این متن، مورد توجه واقع شده، اصیل ترین خط مشی فکری هر متن و نوع اندیشه‌ای است که بر فضای ساختاری جملات حاکم شده است. از همین رو، پس از گردآوری مصداقهای یاد شده و توجه به تعدد آماری آنها هر یک از رهنمونهای نهج البلاغه مورد بررسی و تحلیل محتوایی قرار گرفته است تا از طریق ارتباط یابی مصداقها، استنتاج مطالب آسانتر انجام گیرد؛ بدین ترتیب باید گفت که هریک از نامه‌ها و خطبه‌ها و کلمات قصار نهج البلاغه، هم در قالبی مستقل از مطالب دیگر و هم به صورت مرتبط با آنها مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است. در این مقاله شیوه تحلیل، توصیفی، و از روش بیان علمی استنباطی استفاده شده است.

بحث و بررسی

۱ - دیدگاه حضرت علی(ع) نسبت به روابط میان فرهنگی

به دلیل گستردگی قلمرو حکومتی حضرت علی(ع) و وجود افراد با فرهنگهای مختلف، لازم است قبل از اینکه دیدگاه ایشان نسبت به روابط میان فرهنگها بررسی شود، قلمرو اسلام در آن

زمان بیان شود:

۱ - ۱ - وسعت قلمرو حکومتی حضرت علی(ع)

قلمرو اسلام در زمان حضرت علی(ع) بنا به دلایلی از جمله اشتغال امام به تغییر در خلق و خوی مردم، - که در زمان حاکمیت سه خلیفه دچار انحراف شده بود - و هم چنین اشتغال امام به جنگهای داخلی، تغییراتی نداشت و فتوحاتی در قلمرو اسلامی صورت نپذیرفت. در آن زمان مناطق و ایالات پنجگانه کشور اسلامی عبارت بوده است از: شبه جزیره عربستان، مصر، عراق، ایران و شام.

- شبه جزیره عربستان به لحاظ وسعت زیاد و اینکه خاستگاه اسلام بوده از اهمیت زیادی برخوردار، و شامل پنج بخش حجاز(مکه، مدینه، طائف)، تمامه، نجد، یمن و یمامه بوده است.
- در میان سرزمینهای تحت قلمرو، مصر به لحاظ اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اهمیت فراوانی داشته و هرگونه دگرگونی در آن بر دیگر نقاط آفریقا تأثیر گذار بوده و نظارت و کنترل بر دیگر نواحی این قاره از طریق مصر امکان داشته است؛ هم چنین مرز مشترک آن با حکومت امویان بر اهمیت آن می افزوده است.
- سرزمین عراق به دلیل ارتباط با مناطق استراتژیک جغرافیایی از جمله بین النهرین با قدمت فراوان تاریخی و وجود شهرهایی همچون حیره، موصل، بصره، کوفه و... که در این میان شهر کوفه مرکز خلافت امام(ع) بوده، اهمیت بسزایی داشته است.
- سرزمین ایران (ملک فارسین)، سرزمینی کهن با فرهنگ و تمدنی کهن، دارای شهرهای بزرگی چون اهواز، سوس (شوش)، تستر (شوشتر)، همدان، نهاوند، فارس، اصفهان (اصفهان)، آذربایجان، ری، خراسان، سجستان (سیستان)، طبرستان و... بوده است.
- منطقه شامات، وسیع، و دارای هفت شهر مهم فلسطین، اردن، حمص، دمشق، قنسرین، عواصم و ثغود بوده است. لازم به ذکر است که منطقه شام به دلیل طغیان و سرکشی معاویه به قلمرو حکومتی حضرت علی(ع) نپیوست و به رغم تلاش امام(ع) برای الحاق آن (جنگ صفین) این امر تحقق نیافت (حسینی، ۱۳۷۹: ۵).

۱ - ۲ - تباین و توافق میان فرهنگهای مختلف

حضرت علی(ع) در حکمت ۴۰۱ کتاب شریف نهج البلاغه در مورد ضرورت هماهنگی با مردم می فرماید: «هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه های آنان

است» (دشتی، ۱۳۸۳: ۵۱۸). همان طور که ملاحظه می شود امام(ع) بر این مطلب تأکید دارد که انسان در برخورد با اخلاق و فرهنگهای متفاوت مردم، باید خود را با آنان هماهنگ سازد؛ در غیر این صورت از پیامد آن در امان نخواهد ماند؛ این امر باید مورد توجه فرمانداران، زمامداران و نمایندگان قرار گیرد تا در رسالت خویش دچار مشکل نشوند و در مسیر ایجاد رابطه میان خرده فرهنگها از آن بهره گیرند.

در حکمت ۳۵ نهج البلاغه آمده است: «کسی که در کاری که مردم خوش ندارند شتاب کند، درباره او چیزی خواهند گفت که از آن اطلاعی ندارد» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۴۸). امام(ع) در این سخن به ضرورت موقعیت شناسی اشاره دارد و اینکه کارگزاران در برخورد با مردمی با فرهنگهای گوناگون، ابتدا باید به شناسایی موقعیت و محیط پیرامون خود بپردازند و بعد طبق فرهنگشان با آنان رفتار کنند. شناخت موقعیت به قدری حائز اهمیت است که امام(ع) حتی در فرائض دینی و ادای مستحباتی همچون نماز جماعت به این امر اشاره دارد و در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر نخعی می فرماید: «هرگاه که با مردم به نماز جماعت ایستادی، نه با طولانی کردنش مردم را به ستوه آور و نه با شتاب بیش از حد، نماز را ناچیز شمار که بی گمان بیمارانی در میان مردم هستند و گرفتاریهای ویژه ای دارند که رعایت حالشان لازم است. من از رسول خدا(ص) در هنگامی که به یمن اعزام می کرد، پرسیدم نماز را با آنان چسان بگذارم؟ رسول خدا(ص) پاسخ داد: چون ناتوانترین فردشان با آنان نماز بگذار و نسبت به مؤمنان مهربان باش» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۰۲).

حضرت در بهره گیری سازنده از تعصب نژادی، بین مردم کوفه و مردم شام برای تشویق و ترغیب آنان به پیکار و جنگ، این چنین می فرماید: «در آغاز پیکار تماشاگر حرکتهای بی هدف و پراکندگی صفوفتان بودم. فرومایگان گمنام و بیابان نشینانی از شام، شما را، که از بزرگان و سرشناسان عرب و از سران شرف هستید و برازندگی چشمگیری دارید و قله های سرفراز و بلند قامتید، پس می رانند. سرانجام سوزش سینه ام با مقاومت و حملات دلاورانه شما تسکین یافت و آنان را از لشکرگاه خود رانیدید؛ آن گونه که آنها شما را کنار زدند» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۰۷).

۲ - تأثیر روابط میان فرهنگی بر شیوه زمامداری حضرت علی(ع)

با ظهور اسلام و در تحت لوای آن، همه افراد جامعه اسلامی به رغم داشتن باورها و فرهنگهای مختلف از حقوق طبیعی و سیاسی - اجتماعی یکسان برخوردار بودند. حکومت اسلامی موظف است از حقوق تمامی افراد، گرچه غیرمسلمان دفاع کند. از این رو در فرهنگ حاکم بر حکومت

امام علی(ع)، حتی اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان، زرتشت و...) هم احساس امنیت، برابری در مقابل قانون و حتی امکان استیفای حقوق خود را داشته اند(حسینی، ۱۳۷۹: ۶)؛ لذا امام(ع) به کل جامعه و ملت به دلیل اینکه زیر مجموعه نظام اسلامی هستند، توجه ویژه ای داشته است. در مجموع می توان تأثیر روابط میان خرده فرهنگها را بر نوع رفتار زمامداران و کارگزاران حکومت اسلامی در سه دسته خلاصه کرد:

۲ - ۱ - روابط میان اقشار مختلف جامعه

حضرت علی(ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه، خطاب به مالک اشتر نخعی می فرماید: «بدان که ملت آمیزه ای از قشرهای گوناگون باشد که هر جزء آن، جز در پیوند با جزء دیگر سامان نمی یابد و بخشی بی نیاز از بخش دیگر نباشد. بخشی لشکریان خدایند و گروهی دیران دیوانی و مردمی. برخی بر پای دارندگان دادند و جمعی کارگزاران انصاف و ارفاق. بعضی اهل ذمه اند و جزیه پرداز و شماری مسلمان و خراجگزار. بعضی تاجرند و برخی دیگر پیشه وران و صنعتگران و سرانجام گروهی از قشرهای پایین جامعه هستند؛ نیازمند و زمینگیر و خداوند سهم خاص هر یکشان را در کتاب خود و سنت پیامبرش رقم زده، در جایگاه بایسته شان نشانده است که به عنوان پیمانی از او در نزد ما سپرده است» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۰۲).

حضرت در این سخن، تمام اقشار جامعه را همانند یک پیکر خوانده که برای رفع نیازهای خود وابسته و نیازمند به یکدیگر هستند که اگر در قسمتی خلل یا مشکلی ایجاد شود، دیگران را تحت تأثیر قرار می دهد.

حضرت علی(ع) در مورد رابطه میان کارگزاران با نزدیکان و خویشاوندان خویش، حساسیت خاصی داشته اند که در این باب می توان به نامه ۵۳ نهج البلاغه، خطاب به مالک اشتر نخعی، اشاره کرد: «خواص(نزدیکان) همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می کنند؛ زیرا در روزگار سختی، یاریشان کمتر و در اجرای عدالت از همه ناراضی تر و در خواسته هایشان پافشارتر و در عطا و بخشش ها کم سپاستر و هنگام منع خواسته ها دیر عذر پذیرتر، و در برابر مشکلات، کم استقامت تر هستند. در وجودشان خصلتهایی است چون خودکامگی، چپاولگری و نامردی در روابط اقتصادی با دیگران. پس بر تو است که اسباب چنین رفتار و خصلتهایی را ریشه کن کنی. هیچ گاه به هیچ یک از حاشیه نشینان و خواص، زمینی نبخش و هرگز رخصت مده که بر تو در احداث کشتزاری طمع کنند. حق را به صاحب حق، هر کس که باشد، دور یا نزدیک پرداز و در

این راه با امید به بازده نیکویش پای بفشار. هرگاه که حق، خویشان و نور چشمه‌های را بیازارد، تحمل سنگینی آن را به یاد قیامت بر خود هموار ساز؛ زیرا تحمل آن پسندیده است» (دستی، ۱۳۸۳: ۴۰۲).

امام علی(ع) در موارد متعددی به ایجاد رابطه نیکو میان والی و رعیت و تلاش والیان در کار رعیت و روابط میان خرده فرهنگها وصیت کرده اند که در ادامه به بیان سه مورد از آنها پرداخته می‌شود:

- نامه ۵۳ نهج البلاغه، خطاب به مالک اشتر نخعی: «بدان ای مالک، هیچ وسیله ای برای جلب اعتماد رعیت به والی، بهتر از نیکوکاری و تخفیف مالیات و عدم اجبار رعیت به کاری نیست که دوست ندارند. پس در این راه آن قدر بکوش تا به وفاداری رعیت خوش بین شوی که این خوش بینی رنج طولانی مشکلات را از تو بر می‌دارد. پس به آنان که بیشتر احسان کردی، بیشتر خوش بین باش و به آنان که بدرفتاری کردی، بدگمانتر باش» (دستی، ۱۳۸۳: ۴۰۲).

- نامه ۴۶ نهج البلاغه، خطاب به مالک اشتر نخعی: «پر و بالت را برای رعیت بگستران؛ با آنان گشاده روی و فروتن باش. در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و رعیت و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند» (دستی، ۱۳۸۳: ۳۹۶).

- نامه ای به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست؛ بلکه امانتی بر گردن تو است. باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی. تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور من به کار مهمی اقدام نمایی. در دست تو اموالی از ثروتهای خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه دار آنی تا به من بسپاری. امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم» (دستی، ۱۳۸۳: ۳۴۵).

۲ - ۲ - روابط میان اقلیتهای مذهبی

حضرت علی(ع) در مورد ایجاد رابطه میان اقلیتهای مذهبی تحت حکومت خویش در نامه ۱۹ نهج البلاغه، خطاب به عمر بن ابی سلمه ارحبی فرماندار فارس، ضمن سفارش زرتشتیان به حاکم، تأکید می‌کند که باید با ایشان خوش رفتاری شود و نسبت به شکایت دهقانان این منطقه به والی فارس این چنین می‌نویسد: «پس از نام خدا و درود همانا دهقانان مرکز فرمانداریت از خشونت و قضاوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند. من در باره آنان اندیشیدم، نه آنان را

شایسته نزدیک شدن یافتیم؛ زیرا که مشرکند و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بد رفتاری هستند؛ زیرا که با ما هم پیمانند. پس در رفتار با آنان نرمی و درشتی را به هم آمیز، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش. اعتدال و میانه روی را در نزدیک کردن یا دور کردن، رعایت کن» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۵۵).

امام علی(ع)، در قسمتی از خطبه ۲۷ نهج البلاغه در جریان حمله به شهر انبار(یکی از شهرهای شام) که اموال مسلمین و غیر مسلمین غارت شده بود، فرمود: «گزارش تأیید شده ای دریافت کردم که مردان مهاجم بر زنان آن سرزمین، که بعضی مسلمان و بعضی از اقلیتهای رسمی و ذمی بوده اند، حمله آورده اند و خلخال و دستبند و گردنبندها و گوشواره هاشان را بر می گرفته اند در حالی که هیچ وسیله ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن، نداشته اند. لشکریان با غنیمت فراوان رفتند بدون اینکه حتی یک نفر آنان زخمی بردارد و یا قطره خونی از او ریخته شود. به خدا سوگند این گزارش چنان تلخ و تحمل ناپذیر است که اگر مسلمانی در پی شنیدن آن از شدت اندوه جان سپارد، ملامت نخواهد شد» (دشتی، ۱۳۸۳: ۵۱).

در نامه ۵۱ نهج البلاغه، حضرت علی(ع) به کارگزاران بیت المال می نویسد: «از بنده خدا علی، امیر مؤمنان به کارگزاران جمع آوری مالیات. پس از یاد خدا و درود در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید. همانا شما خزانه داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران و پیشوایان هستید. برای گرفتن مالیات از مردم، لباسهای تابستانی یا زمستانی و مرکب سواری و برده کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید و به مال کسی، نمازگزار باشد یا غیر مسلمانی که در پناه اسلام است(منظور ذمی است)، یهودیان و مسیحیانی که در پناه دولت اسلامی زندگی می کردند، دست اندازی نکنید، جز اسب یا اسلحه ای که برای تجاوز به مسلمانها به کار گرفته می شود؛ زیرا برای مسلمان جایز نیست آنها را در اختیار دشمنان اسلام بگذارد تا نیرومندتر از سپاه اسلام گردند» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۰۱).

۲ - ۳ - روابط میان قبائل و نژادهای مختلف

حضرت علی(ع) در نامه ۱۸ نهج البلاغه که به عبدالله بن عباس، فرماندار بصره نوشته است به او این چنین وصیت می کند: «بد رفتاری تو با قبیله بنی تمیم و خشونت با آنها را به من گزارش کردند. همانا بنی تمیم مردانی نیرومندند که هرگاه دلاوری از آنها غروب کرد، سلحشور دیگری جای آن درخشید. و در نبرد در جاهلیت و اسلام، کسی از آنها پیشی نگرفت و همانا آنها با ما پیوند

خویشاوندی و قرابت و نزدیکی دارند که صله رحم و پیوند با آنها پاداش، و گسستن پیوند با آنان کیفر الهی دارد. مدارا کن ای ابوالعباس! امید است آنچه از دست و زبان تو از خوب یا بد جاری شود، خدا تو را بیامرزد؛ چرا که من و تو در این گونه رفتارها شریکیم» (دستی، ۱۳۸۳: ۳۵۵).

در نامه ۷۴ نهج البلاغه در باره صلح و سازش میان دو قبیله از مسلمانان، آمده است: «این پیمان نامه ای است که مردم یمن و ربیعہ آن را پذیرفته اند؛ چه آنان که در شهر حضور دارند و چه آنان که در بیابان زندگی می کنند. آنان پیروان قرآنند و به کتاب خدا دعوت می کنند و به اجرای دستورهای آن فرمان می دهند. هر کس آنان را به کتاب خدا بخواند پاسخ می دهند؛ نه برابر آن مزدی می خواهند و نه به جای آن چیزی بپذیرند و در برابر کسی که خلاف این پیمان خواهد یا آن را واگذارد، ایستادگی خواهند کرد. گروهی دیگری را یاری می دهند، همه متحد هستند و به دلیل سرزنش سرزنش کننده ای، یا خشم خشمناکی یا خوار کردن بعضی یا دشنام دادن قومی، این پیمان را نمی شکنند. و بر این پیمان حاضران و غایبان، دانایان و ناآگاهان، برداران و جاهلان، همه استوارند» (دستی، ۱۳۸۳: ۴۳۹).

امام علی(ع) در نامه ۴۳ نهج البلاغه، خطاب به مصقلة بن هبیره شیبانی، فرماندار فیروز آباد فارس در مورد عدم تبعیض میان عرب و عجم می فرماید: «گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده ای و امام خویش را نافرمانی کرده ای. خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را، که نیزه ها و اسبهایشان گرد آورده، و با ریخته شدن خونهایشان به دست آمده به اعرابی که خویشاوندان تواند و تو را برگزیدند، می بخشی! به خدایی که دانه را شکافت و پدیده‌ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است. پس حق پروردگارت را سبک مشمار و دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن که زیانکارترین انسانی. آگاه باش، حق مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند در تقسیم بیت المال مساوی است. همه باید به نزد من آیند و سهم خود را از من گیرند» (دستی، ۱۳۸۳: ۳۹۳).

نتیجه گیری

نتایج پژوهش بیان می کند که:

۱- نظام فکری و فرهنگی حکومتی حضرت علی(ع) موجب شد ارزشهای اسلامی قولاً و عملاً

ترویج شود و اذهان مردم از انحرافات پاک گردد و ارزشهایی که در زمان پیامبر(ص) وجود داشت و به دست فراموشی سپرده شده بود، زنده شود و زمینه برای ایجاد رابطه بین فرهنگها فراهم شود.

۲- امام علی(ع) با اصلاحات حکومتی خود به مردم فهماند، پیوندهای خویشاوندی و قبیله‌ای مانع اجرای قوانین نمی‌شود و همه، حتی برادرش در مقابل قوانین یکسانند و از میان برداشتن تعصبات قومی و قبیله‌ای و روابط نامتعارف خویشاوندی، مانع از اجرای عدالت و مساوات نمی‌شود و راهی است برای اصلاح نظام فکری و فرهنگی، و پیوند بین فرهنگهای گوناگون در جامعه.

۳- حضرت علی(ع) در راه تبیین و توافق میان فرهنگهای مختلف، فرهنگهای نادرست را با دلیل و منطقی روشن رد می‌کردند و فرهنگ و آداب و رسوم صحیح را تأیید و مطابق با آن رفتار می‌نموده است.

۴- امام علی(ع) در مورد روابط میان اقشار مختلف جامعه، روابط میان اقلیتهای مذهبی و روابط میان قبائل و نژادهای مختلف، تمام اقشار جامعه را همانند یک پیکر می‌خواند که برای رفع نیازهای خود وابسته و نیازمند به یکدیگر هستند؛ هم چنین به سنجش موقعیت در برخورد با اقلیتهای و نژادهای مختلف تأکید فراوان دارند و با برقراری عدالت و مساوات بین افراد با اعتقادات و فرهنگهای متفاوت، حتی افرادی که به دین اسلام ایمان نداشته اند، میان فرهنگهای مختلف رابطه ایجاد کرده است. در پایان می‌توان گفت روابط میان فرهنگی موجب ایجاد پیوند بین فرهنگهای مختلف در حکومت اسلامی می‌شود و تفاوت میان این فرهنگها نمی‌تواند مانع برقراری عدالت، مساوات و شیوه صحیح زمامداری حضرت علی(ع) در جامعه اسلامی گردد.

منابع فارسی

حسینی، سید غلامحسین(۱۳۷۹). کارگزاران و موقعیت های جغرافیایی حکومت امام علی(ع). فصلنامه حکومت اسلامی. ش ۱۸.

دشتی، محمد(۱۳۸۳). ترجمه نهج البلاغه. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع).

روح الامینی، محمود(۱۳۶۸). زمینه فرهنگ شناسی تالیفی در انسان شناسی فرهنگی. تهران: انتشارات عطار.

سامووار، لاری | و دیگران(۱۳۷۹). ارتباط بین فرهنگها. ترجمه غلامرضا سبحانی و دیگران. تهران: انتشارات باز.

سلیمی، حسین(۱۳۷۹). علاقه به فرهنگ: جهانی شده و حقوق بشر. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

سلیمی، حسین(۱۳۸۱). سیاست از نظر امام علی(ع). تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

سهرابی رنانی، مریم؛ سهرابی رنانی، زهرا (۱۳۹۰). مهارت های مدیریت تنوع فرهنگی: نیاز مدیران. ماهنامه موج عصر، ش ۱۳ و ۱۴.

شرف الدین، سیدحسین (۱۳۸۸). ارتباطات میان فرهنگی در یک نگاه. فصلنامه معرفت. ش ۱۳۹.

شوشتری، عباسعلی (۱۳۷۸). حقوق قراردادهای بین المللی در اسلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

مونس، حسین (۱۳۷۵). اطلس تاریخ اسلام. ترجمه آذرتاش آذرنوش و ابراهیم بلوکی. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

همایون، محمد هادی (۱۳۸۴). جهانگردی ارتباطی میان فرهنگی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

منابع انگلیسی

Kroeber, A. L. and C. Kluckhohn, 1952. **Culture: A Critical Review of Concepts and Definitions.**

